

درآمدی بر جامعه‌شناسی کتاب و کتابخوانی

علی اصغر صباغ پور

پرورش داد و به دانش، ارج و قدر اجتماعی اعطا کرد. کتابت بر آگاهی بشر افزود و به او اجازه داد تا سرنوشت خود را در دست بگیرد. این همان ویژگی اساسی جوامع تلاشگر است. از سالها پیش، جامعه‌شناسی - شاید با کمی افراط - نشان داده است که زبان شفاهی اساس رابطه اجتماعی است و ساختارهای آن را شکل می‌دهد؛ بنابراین کاملاً طبیعی است که گذار از زبان شفاهی و محاوره‌ای به زبان نوشتاری، ساختهای تمدن بشری را دگرگون ساخته باشد. همچنین به راحتی قابل درک است که اختراع چاپ و ترویج آن، بعدها این تحول را تسریع کرده باشد. به وسیله کتاب و کتابت انسانها توانستند گستره اندیشه‌های خود را به نحو

کتاب و کتیبه در زمره رسانه‌های نوشتاری است که سابقه‌ای بس طولانی در طول تاریخ حیات بشر داشته است. این رسانه منشأ بسیاری از ابداعات و تحولات بشری بوده و عاملی مؤثر در دگرگونی ساختهای تمدن بشری شناخته می‌شود. اگر عهد تجدید حیات فکری بشر را منحصر به عصر رنسانس ندانیم، می‌توان ادعا کرد که اولین رنسانس در عهدی به وقوع پیوست که خط و کتابت اختراع شد. در این عهد زبان نوشتاری نقش ویژه‌ای در گذار جامعه از مرحله بدوی به مرحله متکاملتر ایفا کرد. خط و کتابت به تمدن امکان داد تا از طریق انباشت، اطلاعات تراکم پذیر گردد و همین موجب تسریع در پیشرفتهای بشر شد. کتابت نخبگانی را

معمولاً مطالب رسانه‌های شفاهی (رادیو و تلویزیون) چندان انتخابی نیست. بیننده و شنونده در مقابل برنامه‌ها یا فیلمهایی که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود، چندان فعال نیست، بلکه منفعلانه باید شاهد یا مستمع آن باشد. اما مخاطب کتاب و جراید از نظر انتخاب نوع کتاب و روزنامه یا مجله مورد علاقه خود، فعالانه عمل کند و بنا به سلیقه و تخصص خود یکی را برمی‌گزیند. دامنه این گزینش در حوزه کتاب وسعتی از حوزه جراید است؛ زیرا تنوع موضوعات کتب به قدری است که مخاطبان به راحتی می‌توانند به انتخاب موضوع دلخواهشان دست بزنند.

از وجوه مشترک دیگر کتاب و جراید می‌توان به «ارزش تمرکز» اشاره کرد. در استفاده از این دو رسانه، فرد باید فرصت و زمان مناسبی را به این کار اختصاص دهد و در هنگام مطالعه، تمرکز حواس داشته باشد. این وضعیت در رسانه‌هایی از قبیل رادیو و تلویزیون چندان ضروری به نظر نمی‌رسد. پیوسته ملاحظه می‌شود که افراد در حین اشتغال به کارهای دیگر (رانندگی، فروشنده‌گی و امور خدماتی) به رادیو هم گوش می‌دهند یا تلویزیون هم نگاه می‌کنند، بدون اینکه اندکی از کار خود کناره گیرند و فرصتی را به استفاده از رادیو و تلویزیون اختصاص دهند. شاید به همین دلیل باشد که گفته می‌شود فرصت تفکر در استفاده از کتاب و مطبوعات بیشتر از فرصت تفکر در استفاده از رادیو و تلویزیون است.

چهار رسانه مزبور را می‌توان از لحاظ

بارزی افزایش دهند، با اندیشه‌های یکدیگر آشنا شوند و افکار خود را در معرض تبادل قرار دهند.

این رسانه که ویژگیهای منحصر به فردی دارد و شاید بتوان گفت مقدسترین رسانه به شمار می‌آید، با سایر رسانه‌ها وجوه افتراق و اشتراکی دارد که در زیر بدان اشاره می‌شود.

مناسبات بین کتاب، جراید و رادیو و تلویزیون

مرزهای کتاب و جراید گاهی مشترک و گاهی متفاوت است. از مرزهای مشترک کتاب و جراید (مطبوعات) این است که هر دو محصولی صنعتی، تابع قوانین اقتصادی بازار و در عین حال آفریده‌ای فکری و جوابگوی نیازهای معنوی خوانندگان هستند. به این علت، برای ناشران صورت کالا به خود می‌گیرند و بعضی اوقات کالایی کمیاب می‌شوند و برای آنها بازار سیاه به وجود می‌آید. از طرف دیگر، این دو رسانه برای مصرف‌کنندگان نوعی سرویس یا خدمت تلقی می‌شوند و مشتریان از خدمات آن بهره می‌برند. گاهی خوانندگان، کتاب را - بیشتر از مطبوعات - کالایی تجملی قلمداد می‌کنند و حتی برخی آن را در حد یک توت‌م یا تابو می‌ستایند و پیوسته در جستجوی کتب نفیس و کمیابند تا فقط کتابخانه شخصی خود را تکمیل کنند. اینان کتابخانه‌های عمومی را به چشم یک موزه می‌نگرند.

یکی دیگر از مرزهای مشترک کتاب و جراید به «ارزش انتخاب» آنها باز می‌گردد.

مطبوعات به عنوان یک فعالیت اجتماعی، خواه ناخواه به مجموع پیکره اجتماع تعلق می‌یابد و این خود مانع استقلال کامل آنها می‌شود، اما کتاب و محتوای آن به یک جامعه خاص تعلق ندارد و حتی ممکن است متأثر از جامعه خاصی نیز نباشد. کتب ترجمه شده شاهد این مدعاست. وجه افتراق دیگر کتاب و جراید به «ارزش نفوذی» آنها معطوف می‌گردد. با توجه به تأثیر جراید در افکار عمومی، این رسانه بیشتر از کتاب توجه اقشار مردم را به خود جلب می‌کند و برخی از قشرها با عنایت به همین خصیصه جراید، سعی می‌کنند از قدرت مطبوعات به نفع خود استفاده کنند. به این دلیل، منافع سیاسی یک گروه یا منافع گروههای فشار و ذی‌نفوذ ممکن است بر فعالیتهای جراید اثری عمیق و تعیین کننده داشته باشد.

این وضعیت در مورد کتاب به ندرت دیده می‌شود و می‌توان چنین حکم کرد که کتاب نفوذناپذیرتر از مطبوعات است. در برخی جوامع، کارکردهای مطبوعات مشابه برخی کارکردهای احزاب است و این از نفوذپذیری مطبوعات از سوی صاحبان قدرت و گروههای فشار، ذی‌نفوذ و موجه اجتماع حکایت دارد.

می‌گویند رادیو عمومیت‌ترین رسانه است؛ اما می‌توان از زاویه‌ای دیگر ادعا کرد که کتاب عمومیت‌ترین رسانه در جهان امروز است. وجه عمومیت رادیو در قابل دسترس بودن آن در تمام نقاط تحت پوشش و یا در تعداد کثیر شنوندگان آن است؛ اما عمومیت

«ارزش زمان» نیز بررسی کرد. اگر بخواهیم سرعت اشاعه اطلاعات و انتقال پیام به وسیله این چهار رسانه را روی یک پیوستار مورد ملاحظه قرار دهیم، می‌توانیم ادعا کنیم که سرعت انتشار پیام و انتقال اطلاعات در رادیو بیشتر از تلویزیون و در تلویزیون بیشتر از مطبوعات و در مطبوعات بیشتر از کتاب است. در عوض، بقای پیام در کتاب بیشتر از سایر رسانه‌هاست. در رادیو و تلویزیون، پیام در یک زمان مشخص پخش می‌شود و همه جا را فرا می‌گیرد و بعد به صورتی فرار و ناپایدار می‌گریزد. گفته می‌شود اطلاعات نوشتاری و پیامهای کتبی تمکین بیشتر و عمر فراختری دارند. در فرهنگ اسلامی نیز آمده است: «کل شیء علیس فی القراطاس ضاع» (هر مطلبی که در کاغذی به رشته تحریر نیاید زوال می‌یابد و تلف می‌شود). به همین دلیل توصیه شده است که دانش را به وسیله نوشتن به زنجیر افکنید و نگاهش دارید: «قیدوا العلم بالکتابه».

«ارزش ماندگاری» کتاب در مقایسه با مطبوعات به مراتب بیشتر است. روزنامه‌ها در اغلب جوامع پس از یک بار مصرف (مطالعه) دور انداخته می‌شوند؛ اما کتب با یک بار مصرف، دسته‌ای کاغذ باطله به حساب نمی‌آید، بلکه در کتابخانه‌ها ذخیره می‌شود. البته در برخی کشورها کتب جیبی نظیر روزنامه محسوب می‌شود و پس از مطالعه آنها را دور می‌اندازند.

از وجوه افتراق کتاب و جراید می‌توان به دو مورد عمده اشاره کرد. نخست اینکه

نظریه‌های جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی و علوم سیاسی، در چهارچوب هفت دیدگاه عمده به بیان نظری اجمالی و مختصر پدیده کتاب و کتابخوانی می‌پردازیم.

۱. دیدگاه ساختی کارکردی

اگوست کنت عامل یا مبنای تحول تاریخی بشر را در طرز نگاه وی به جهان یا در تحول فکر و شناخت او می‌پنداشت. کتاب از عمده‌ترین ابزارهای ایجاد تحول فکری و شناختی در جوامع انسانی است. البته این تحول به تدریج صورت می‌پذیرد و شاید بتوان گفت تحول تدریجی از طریق فرایند دانش بشر امری کاملاً معقول و منطقی است. کارکردی که از کتاب انتظار می‌رود انتقال اطلاعات و وارد ساختن مفاهیم جدید به ساخت ذهنی افراد جامعه (مصرف‌کنندگان کتاب) است. افراد جامعه این مفاهیم و اطلاعات را با دانشهای پیشین خود پیوند می‌دهند و مقدمات دریافت اطلاعات جدید را فراهم می‌سازند. ترکیب پنداشته‌های ذهنی و یافته‌های جدید (مفاهیم و اطلاعات نو) موجب تولید علم و راهیابی به شناختی نوین می‌شود و بدینسان با تحول ساخت ذهنی و محتوای شناختی بشر، تحول و تکامل اجتماعی امکان‌پذیر می‌گردد. طبیعی است عدم آمادگی ساخت ذهنی افراد ممکن است اثر کتاب را خشن کند و اطلاعات و مفاهیم ارائه شده از سوی آن را بی‌ارزش جلوه دهد. تسلسل منطقی و مرحله‌بندی متناسب اطلاعات، مطابق با علم و ساخت

کتاب از چند جنبه قابل ملاحظه است. نخست اینکه کتاب می‌تواند نقاطی را که امواج رادیویی نمی‌توانند به آن پوشش دهند، تحت پوشش خود قرار دهد. در مناطقی که در انزوای مخابراتی و موجی قرار گرفته‌اند، کتاب می‌تواند بدون کمترین هزینه‌ای حضور یابد. دست کم می‌توان کتب دینی را در خانه‌ها و مراکز مذهبی این مناطق یافت و کتب درسی را نیز روی نیمکت مدارس این مناطق مشاهده کرد.

دوم اینکه کتاب را می‌توان در اختیار تمام اقشار (طبقات بالا، متوسط و پایین) و نسلها (کودکان، جوانان، میانسالان و کهنسالان) از زن و مرد قرار داد.

استفاده از کتاب در عین حال که گاهی پر هزینه است، می‌تواند کم هزینه و بی‌هزینه نیز تلقی شود؛ چرا که کتاب را هم می‌توان خرید و هم می‌توان از کتابخانه‌ها و افراد امانت گرفت و مطالعه کرد.

از زاویه سوم می‌توان عمومیت کتاب را در موضوعات متنوع و عرصه‌های مختلف اندیشه، دانش، هنر و فن شناسی آن جستجو کرد. تنوع موضوعی و محتوایی کتاب موجب شده است که این رسانه بسیار کهنسال، همچنان شاداب و تازه بماند و همگان، حتی بیسوادان (به طور غیرمستقیم) نیز از آن بهره‌مند و محفوظ گردند.

چارچوبهای نظری در پژوهشهای مربوط

به کتاب و کتابخوانی

در این بخش، با بهره‌گیری از برخی مفاهیم و



نیز به وی بیاموزیم، از آن پس او با کتاب زندگی می‌کند، سرگرمش می‌شود و کتاب، وی را با دنیای جدیدی که وی به تازگی قدم بدان گذارده است آشنا می‌سازد؛ روابط، انگاره‌ها، آداب و نقشها را می‌آموزد و بدین طریق در افکار کودکان اش تحول و رشد حاصل می‌شود. روان‌شناسی می‌گوید بازی امروز کودک در کار فردا و طرز اندیشه آتی او تأثیر بسزایی دارد و جامعه‌شناسان می‌گویند ممکن است بازی نقش (role playing) ایفای همان نقش (role taking) را در آینده در پی داشته باشد. اگر چه در اوان کودکی سرگرمی با کتاب یک بازی و تفریح تلقی می‌شود، دوام و استمرار این عمل، او را در آینده متفکر، خلاق و نوآور بار می‌آورد و برای وی بسیاری از ابهامات، روشن می‌گردد و گره‌های زیادی گشوده می‌شود.

ب) کتاب از قویترین وسایل حفظ و حراست ارزشهای اجتماعی و وسیله اشاعه آن است. در بسیاری از جوامع، کتابخوانها کمتر دچار کجروی اجتماعی می‌شوند و کمتر به هنجارشکنی می‌پردازند.

ج) کتاب امتداد آموزشهای مدرسه است که در خانه (و محیط خارج از مدرسه) از آن استفاده می‌شود. یکی از انتقاداتی که به سوادآموزی در برخی ممالک در حال توسعه - و همچنین کشور ما - وارد می‌شود، بی‌توجهی به کارکرد اصلی سوادآموزی است. گفته می‌شود سوادآموزی نوآموز را کتابخوان تربیت نمی‌کند و او پس از تحصیل سواد، فضای فکری خود را با مطالعه کتاب و

ذهنی موجود افراد، موجب دریافت بهینه اطلاعات و مفاهیم می‌شود و ساخت ذهنی افراد را دگرگون می‌سازد. اینکه در آموزشهای دبستانی و بعد از آن کتب با سطح‌بندی دقیقی به دانش‌آموزان عرضه می‌شود به همین منظور است. تحقیقاً نمی‌توان به کودکی که هنوز عدد و رقم نمی‌شناسد، جمع و تفریق آموخت و مادام که نوجوانی، پایه و اشکال هندسی را نیاموخته است نمی‌تواند مثلثات را فرا بگیرد.

شاید بتوان گفت کتاب به عنوان یک منبع فیاض اطلاعاتی، عمیقترین تأثیر را در دانشها (knowledge) و وضع شناختی اعضای جامعه می‌گذارد؛ لکن تأثیر کتاب فقط به مقوله فوق محدود نمی‌شود، بلکه اثر بعدی آن در بینشها، طرز تلقیها و ایستارها (attitudes) ظاهر می‌گردد و پس از آن بر توانشها (abilities) و استعدادهاى افراد جامعه مؤثر می‌افتد. این تأثیرات سبب می‌شود تا جامعه به عنوان یک ارگانیسم به حیات خود ادامه دهد و تحول را به عنوان یک سرشت ذاتی در وجه پویای خود منعکس سازد.

چنانچه بخواهیم ارزش ابزاری کتاب و فایده کتابخوانی را به طور کلی در قالب کارکردهای مثبت و آشکار و نهان آن نشان دهیم، می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

الف) کتاب یکی از ابزارهای عمده جامعه‌پذیری کودک به شمار می‌آید. در مراحل جامعه‌پذیری کودک، اگر برای او کتابخانه‌ای کوچک بسازیم و کتابخوانی را

مرحله جلوتر رود و به عنوان نمونه به متعالیترین نیازها - که از آن به نیاز به خویشتن یابی و خود شکوفایی یاد می‌کند - برسد، می‌تواند از نیازهای ابتدایتر تا حدی چشم پوشی کند. این امر را می‌توان در میان بسیاری از کتابخوانها تجربه کرد: افرادی که اهتمام و دغدغه بیشتری برای کتابخوانی دارند کمتر به نیازهای ابتدایی و جسمانی میل و توجه می‌کنند.

مزلو «معتقد است که در موارد استثنایی، سلسله مراتب نیازها می‌توانند ترتیب دیگری داشته باشند، مثلاً ممکن است خویشتن یابی برای برخی از افراد مهمتر از محبت جویی باشد»^۱.

این امر را نیز می‌توان در میان برخی از کتابخوانها استقصا کرد. در برخی مطالعه کنندگان کتاب نیاز به کتابخوانی - یکی از مکانیسمهای خویشتن یابی و خودشکوفایی - از نیازهایی مثل محبت و تعلق، نیاز به احترام و... پیشی می‌گیرد.

تأکید مزلو بر نیازهای جسمی بیشتر از سایر نیازهاست و به تعبیری، گرسنگی، جهان بینی و نظام ارزشی او را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در فرهنگ دینی ما، نیاز به غذای جسمی با نیاز به غذای فکری برابری می‌کند و از اینکه برخی پیوسته تدبیر معیشت می‌کنند؛ ولی برای غذای فکری خود تدبیری نمی‌اندیشند، اظهار شگفتی شده: «عجبت لمن یتفکر فی مأکوله ولایتفکر فی معقوله».

۳. دیدگاه معطوف به تغییر

اصولاً تغییرات اجتماعی بر روند کتاب و

روزنامه وسعت نمی‌بخشد. سوادآموزی در این قبیل ممالک، از نگاه نوآموز یک کالای تجملی یا وسیله‌ای برای فخر و مباهات شاخته می‌شود. آنچه برای این‌گونه نوآموزان اهمیت دارد، مدرک باسوادی و اظهار باسوادی در نزد دیگران است. بازده یا کارکرد آشکار سوادآموزی که همانا بسط فکری، خلاقیت و نوآوری اجتماعی، توسعه فرهنگی، مشارکت اجتماعی مطلوبتر و آشنایی با هنجارها، ضوابط و قاعده‌مندیهای اجتماعی است، در این قبیل ممالک به فراموشی سپرده شده است.

۲. دیدگاه معطوف به نیازهای انسانی

بر اساس طبقه‌بندی مزلو از نیازها، می‌توان کتابخوانی را جزء نیازهای پیشرفته انسان، از قبیل نیاز به خویشتن یابی و تحقق خویشتن (self actualization)، به شمار آورد. بنابراین یکی از شروط ظهور این نیاز است که نیازهای ابتدایتر، نظیر نیازهای جسمی، ارضا شده باشند. به این علت، فرد هنگامی به مطالعه رومی آورد که نیازهای سطح پایینتر وی ارضا شده باشد. اینکه گفته می‌شود «هر جا که نان نیست کتاب نیز نیست و هر جا که کتاب هست نان نیز هست» گویای این مطلب است. گرسنگی جسمی را می‌توان به یاری خرد مرتفع کرد؛ ولی عقل قدرت و توانایی نمی‌یابد و راز و رمزگشایی نمی‌کند، مگر به یاری خواندن و آموختن و اندیشیدن. مزلو ضمن بیان نظام سلسله مراتبی و پلکانی نیازها تأکید می‌کند که اگر فرد یک یا چند

کتابخوانی تأثیر عمده‌ای می‌گذارد. عکس این قضیه نیز می‌تواند صادق باشد. میزان کتابخوانی، استقبال از کتاب و محتوای آن ممکن است به تغییرات فرهنگی اجتماعی بینجامد. در این دیدگاه به مطالعه موردی انقلاب اسلامی ایران از منظر کتاب و کتابخوانی می‌پردازیم.

پیش از بروز شرایط بحرانی و فراگیر شدن نهضت گفته می‌شد: «کتابها فقط با چاشنی عشق جوانان را مجذوب می‌کنند»^۱، اما در شرایط انقلاب و در اوج نهضت اسلامی ایران، به تعبیر روزنامه‌های آن دوران، «جوانها دیگر فریب داستانهای مبتذل عاشقانه»^۲ را نمی‌خوردند.

این‌گونه حوادث عمیق اجتماعی و تاریخی در محتوای کتب، میزان کتاب نویسی، میزان کتابخوانی، تنوع کتب و انتشار آن تأثیر فوق‌العاده‌ای می‌گذارد. طی سالهای ۵۷-۱۳۵۶ تیراژ برخی از کتب سیاسی - مذهبی از مرز یک میلیون گذشت. با توجه به اینکه نهضت‌های فراگیر، فضای فرهنگی جامعه را باز می‌کند، طی سالهای مزبور کتب و مقالات عدیده‌ای در واکنش به شرایط آن دوران، چاپ و منتشر شد. به عنوان نمونه، تا پیش از ۱۳۵۶، تعداد مقالات یا کتبی که در باب سانسور کتاب و مطبوعات نوشته می‌شد، شاید از سه مورد تجاوز نمی‌کرد. شرایط باز انقلاب موجب شد موضوعاتی از این قبیل به نحو فراگیری در آینه کتب و مطبوعات طرح گردد. در اینجا در تأیید ادعای فوق به عناوین تعدادی از این گونه

مطالب و سال انتشار آنها اشاره می‌شود:^۴

- در شهرستانها سانسور مجدد وجود دارد (رستاخیز، ۵۷/۵/۲۴)،

- حیات جامعه اهل علم، «اسیر سانسور» (اطلاعات، ش ۱۵۶۹۹، ۵۷/۶/۸)،

- دستور جلوگیری از چاپ سیزده کتاب به چاپخانه‌ها داده شد (کیهان، ش ۱۰۵۸۷، ۵۷/۸/۲۴)،

- سانسور اندیشه و قلم ادامه دارد (کیهان، ش ۱۰۶۰۱، ۵۷/۸/۱۰)،

- سانسور کتاب و مطبوعات (اطلاعات، ش ۱۵۶۷۵، ۵۷/۵/۹)،

- سانسور کتاب را لغو کنید (آیندگان، ش ۳۲۴۴، ۵۷/۷/۲۷)،

- سانسور هنوز وجود دارد (آیندگان، ش ۳۳۴۷، ۵۷/۸/۱۰)،

- سیر سانسور در ایران (کیهان، ۵۷/۷/۲۵ و ۵۷/۸/۹)،

- کتابهایی که در چنبر سانسور مانده‌اند (اطلاعات، ش ۵۷۰۱، ۵۷/۶/۱۱)،

- نامه حسین مکی به نخست وزیر درباره سانسور (اطلاعات، ش ۱۵۷۳۶، ۵۷/۷/۲۶)،

- نیرنگهای سانسورچیها برای اعمال فشار (کیهان، ش ۱۰۶۰۰، ۵۷/۸/۱۹)،

- اداره نگارش، سدی در برابر اشاعه کتاب! (اطلاعات، ش ۱۵۵۹۴، ۵۷/۲/۶)،

- از دگر سانسوری تا خودسانسوری (کیهان، ش ۱۰۵۸۹، ۵۷/۷/۲۶)،

- نگاهی به قانون مطبوعات از آغاز تا به امروز: سانسور کتاب و مطبوعات

وقوع انقلاب از تیراژ کتب سودمند (نظیر کتب تحقیقی) ناراضی بوده‌اند و پیوسته از انتشار وسیع کتب مبتذل شکوه داشته‌اند و اظهار می‌داشتند: «شرمگین باشیم که مردم روز به روز به مطالعه بی‌میل‌تر می‌شوند». در سال ۱۳۴۹، نیم درصد درآمد مردم صرف کتاب می‌شد و بر اساس پژوهش یونسکو، هر ایرانی در اوایل دهه ۵۰ (هش) سالیانه فقط ۱/۵ ثانیه مطالعه می‌کرد و در سال ۱۳۵۳ میزان مطالعه کتاب در سال به ۲۰ ثانیه افزایش یافته بود.

۴. دیدگاه معطوف به ارتباطات

در ابتدای مقاله به تأثیر کتابت در دگرگونی ساختهای تمدن بشری اشاره کردیم. در این بخش به نظریه نظام رسانه‌ای مک لوهان و تئوری مرحله‌ای رایزمن اشاره می‌کنیم.

نظریه نظام رسانه‌ای مک لوهان

امروزه بخش مهمی از تحول جهش آسای جهان ما را به ویژه در شهرها به رسانه‌ها نسبت می‌دهند. به باور ژان کازینو، «در اینجا سه دیدگاه وجود دارد: یکی آنکه خود را محدود به این می‌کند که نوعی همبستگی میان فنون ارتباطی و اشکال زندگی اجتماعی وجود دارد؛ دیدگاه دوم آنکه بخش نخست (وسایل ارتباطی) نقش فعالی به عهده دارد و بر اشکال زندگی اجتماعی اثر می‌گذارد و بالاخره نظر سوم اینکه نظام ارتباطی عامل تعیین کننده جهش اجتماعی تلقی می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که از این

(اطلاعات، ش ۱۵۶۷۵، ۵۷/۵/۹)،
- اگر آزاد می‌گفتیم و آزاد می‌نوشتیم کار به اینجا نمی‌کشید (کیهان، ش ۱۰۵۸۸، ۵۷/۷/۲۵).

- به سانسور کتاب پایان دهید (اطلاعات، ش ۱۵۷۳۹، ۵۷/۷/۳۰).

تأثیر انقلاب در محتوا و تیراژ کتاب نیز در مطبوعات به گونه زیر نمود یافته است:
- بازار کتابهای سیاسی، اجتماعی و فلسفی پررونق است (رستاخیز، ش ۱۰۱۹، ۵۷/۶/۲۹).

- بازار کتاب هم داغ شد (اطلاعات، ش ۱۵۶۵۰، ۵۷/۴/۱۰).

- رکود گذشته و رونق کنونی بازار کتاب (رستاخیز، ش ۷۷۵، ۵۶/۹/۳).

- جوانها بازار از رونق افتاده کتاب را مجدداً گرم کرده‌اند (رستاخیز، ۵۶/۱۲/۳).

- کتابهای مذهبی در اوج (اطلاعات، ش ۱۵۴۱۶، ۵۶/۶/۲۸).

- آتشی که از کتاب زبانه می‌کشد (آیندگان، ۵۸/۴/۲۴).

- نشر آزاد کتاب: خون انقلاب همچنان می‌جوشد (کیهان، ش ۱۰۹۰۴، ۵۸/۱۰/۲۳).

شرایط انقلاب جهشی فوق‌العاده در تیراژ کتاب به وجود می‌آورد. طبق آمار روزنامه‌های آن دوران، طی شش ماه (درست ۴/۵ ماه پیش از ۲۲ بهمن ۵۷ و ۱/۵ ماه پس از آن)، تیراژ کتاب به ۲ میلیون نسخه رسید.^۵ این در وضعیتی است که اغلب دوستان علم و فرهنگ در سالهای پیش از



است.^۹ البته مک لوهان با تأکید بر اهمیت کتابت و اینکه اختراع خط نقطه عطفی در تاریخ بشر بوده، دست به تعلیل می‌زند: وی علت این امر را بصری بودن این رسانه نمی‌جوید، بلکه معتقد است: «خط، زبان را ثابت و بی‌حرکت می‌کند، در حالی که با گفتارهای شفاهی در گذشته چنین کاری امکان‌پذیر نبود؛ زیرا قزاق بودند. خط الفبایی با ثبت تجلیات فکری به سلطه لحظه‌ها خاتمه داد و در عین حال به پیامی واحد امکان تکرار و تکثیر داد. به روشنی دیده می‌شود که چطور چنین تحولی مستقیماً از اختراع خط الفبایی و بعد هم چاپ ناشی می‌شود. در حقیقت کتابی را که می‌توان در نسخ زیاد تکثیر کرد، پیام واحدی را در مکانها و زمانها به افراد متفاوت ارائه می‌دهد. بدین علت است که مک لوهان به اهمیت رابطه میان کتاب و تفکر قالبی فارغ از زمان و مکان و خصایص شخصی اشاره دارد».^{۱۰}

نظریه مرحله‌ای دیوید رایزمن

به زعم رایزمن، «در سه عصر زندگی اجتماعی پی در پی و سه نوع انسان متناسب با آن، وسایل ارتباط و بیان جمعی نقش بسیار مهمی ایفا کرده‌اند. از نظر او، تربیت فردی در مرحله نخست از طریق حماسه‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌ها شکل می‌گیرند که به صورت شفاهی به او منتقل می‌شوند و نقش آنها این است که در آن واحد هم سنتها را متذکر می‌شوند و هم نشان می‌دهند چطور

سه دیدگاه گوناگون، دومین دیدگاه بر دیدگاه نخستین رجحان داشته باشد؛ زیرا وقتی به همبستگی‌هایی از این نوع قائل شویم، مشکل است مدعی شویم رسانه‌ها هیچ‌گونه اثری در زندگی اجتماعی ندارند... ولی مک لوهان بدون آنکه تردیدی به خود راه دهد، مدعی می‌شود که فنون ارتباطی و رسانه‌ها عامل تعیین‌کننده چنین تحولی هستند».^۷ اما نوع رسانه‌ها و کارایی و اثربخشی آنها از نظر مک لوهان متفاوت است. وی فرهنگ کتبی را روبه افول می‌بیند.

از دیدگاه مک لوهان: «شیوه کنونی آموزش ما متناسب با کهکشان گوتنبرگ و تمدن کتابی و بصری است که مشخصاتی از قبیل مکانیزه کردن، تکه تکه کردن و تخصصی کردن، فردگرایی، تجزیه ماده و حتی زندگی به عوامل متشکله آن، به منظور تکثیر و تولید محصولات یک شکل به میزان دلخواه است. در چنین نظامی، هدف آموزش و پژوهش تربیت متخصص است، نه ترغیب جوانان به کشف و یادگیری».^۸

باور مک لوهان بر این فرض مبتنی است که «در آینده تسلط فرهنگ کتابت پایان خواهد یافت و باگسترش وسایل بخش الکترونیکی، روش جدیدی در آفرینشهای علمی و هنری به وجود خواهد آمد که این روش جدید، بر مبنای دو عنصر «تلاقی» و «رویداد» خواهد بود و در آن از «تسلل» و «تداوم» اثری نخواهد بود، چرا که دنیای جدید، جهانی حضوری (immediate) خواهد بود و این خود دلالت بر (وقوع) یک رویداد

جامعه به سه نوع دسته‌بندی می‌کنند: تشویق، تنبیه و اقناع (قانع‌سازی). از میان این سه اهرم، عقب‌افتاده‌ترین آنها تنبیه و متعالی‌ترینشان اقناع است. در اهرم تنبیه، اعضای جامعه با ابزارهای قهرآمیز و عریان اعمال قدرت مواجه می‌شوند. مجازات‌های سنگین، کثرت قوه قهریه (انتظامی) به نسبت جمعیت، وجود جریمه‌های مختلف، اعمال خشونت پلیس به صورت دائم و روزمره و... نمودهای اجتماعی این اهرم شناخته می‌شود. در اهرم اقناع، اعضای جامعه با ابزارهای صلح‌آمیز، دموکراتیک و اخلاقی اعمال قدرت مصادف می‌گردند که نتیجه آن درون‌ذهنی شدن (internalization) هنجارها، قوانین و مقررات اجتماعی در اعضای جامعه است. مظاهر اجتماعی این اهرم در احترام به قوانین و مقررات، دوری از هنجار شکنیهای صریح، نامحسوس بودن حضور قوه قهریه در اجتماع، کاهش جرائم و تخلفات اجتماعی و... دیده می‌شود. عموماً نظم سیاسی، محصول اعمال قدرت از طریق تنبیه و نظم فرهنگی محصول اعمال قدرت از طریق اقناع است. کتاب که خود یک رسانه قوی فرهنگی است، یکی از وسایل عمده در نفوذ اجتماعی و اقناع آحاد جامعه شمرده می‌شود. اساساً قدرت از نوک قلم نویسندگان که پدیدآورندگان و اشاعه دهندگان فرهنگ جامعه هستند جاری است. نفوذ قلم و تأثیر جملات نویسندگان به قدری است که می‌تواند پایه آفرینش جامعه‌ای پاک و درستکار شود. همان‌گونه که ما کسیم

قهرمانان بزرگ و استثنایی می‌توانند جاودانه شوند. در مرحله دوم، یعنی مرحله هدایت از درون، انتقال میراث فرهنگی از طریق کتابت به ویژه به وسیله چاپ که انگاره‌های فردی را رواج می‌دهد، انجام می‌گیرد؛ در حالی که اسطوره‌ها و حماسه‌ها با حلقه زدن به دور اجاق قبیله بازگو می‌شد و سینه به سینه منتقل می‌گردید. کودکان «عصر انسان از درون هدایت شده» کتاب خود را در انزوا و در خلوت و یا در گوشه‌ای از اتاق خود می‌خوانند. در مرحله سوم، مرحله‌ای که اینک در برابر چشمان ما آغاز شده است، این وسایل ارتباط جمعی هستند که افراد را می‌سازند؛ آن هم نه در میان جمع خانواده و یا در گوشه عزلت، بلکه در میان گروه دوستان و همسالان. این آموزش در تمام طول زندگی انسان تداوم پیدا می‌کند»^{۱۱}

دیدگاه مرحله‌ای رایزن مانند سایر دیدگاه‌هایی که ادوار تاریخی را با مرحله‌بندی تبیین می‌کنند، نمی‌تواند دقیقاً با موقعیتهای زمانی خود تطبیق کند و نیز قابل تعمیم به کل جامعه بشری نیست. چه بسا در هر دوره تاریخی، مراتبی از سه مرحله مورد اشاره رایزن مشاهده شود. همچنین مرزهای هر مرحله را نمی‌توان ثابت تلقی کرد. به فرض صحت نظریه رایزن، مرز هر مرحله با مرحله دیگر سیال و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است.

۵. دیدگاه معطوف به قدرت

علمای سیاست اهرمهای اعمال قدرت را در

فرهنگی (هنری، علمی، فنی و...) از نسلی به نسل دیگر و از حوزه فرهنگی خاص به سایر حوزه‌های فرهنگی به شمار می‌آید. اشاعه کتاب (انتشار) و نیز اشاعه پیام کتاب به وسیله نویسندگان، مترجمان، معلمان، روشنفکران و خوانندگان کتاب موجب توسعه فکر و درون‌ذهنی شدن ارزشهای اجتماعی و پرورش خلاقیتها و... می‌شود و با این مکانیسم توسعه فرهنگی در جامعه تحقق می‌یابد. شاید بتوان گفت امتداد اشاعه فرهنگ، تکامل فرهنگ است که کتاب و کتابخوانی سهم ویژه‌ای در آن ایفا می‌کند و اصولاً فرهنگی پویا و قدرتمند است که مردم آن پیوسته هم‌نشین کتاب باشند و به تعبیری مسحور کلمات نوشتاری و چاپی گردند. کتاب یک پایه مهم فرهنگ است و به تعبیر علوم اطلاع‌رسانی، یک زیربنای اطلاعاتی عمده است. این زیربنای اطلاعاتی و پایه فرهنگی نمی‌تواند به تکامل فرهنگی منجر شود، مگر اینکه به لحاظ کمی و کیفی رشد یابد. آمار نشان می‌دهد که نوعی رابطه میان توسعه یافتگی و میزان کتاب (خوانده شده، چاپ شده و ذخیره شده) وجود دارد. به عنوان نمونه، آمار کتب ذخیره شده در کتابخانه‌های برخی از کشورها (بر اساس آمار سالهای پایانی دهه ۶۰ ه.ش^{۱۲}) به شرح جدول شماره ۱ است:

گورکی می‌گوید «همه سرشتهای نیکم را مدیون کتابم»؛ می‌توان ادعا کرد که هنجارها و ارزشهای اجتماعی از طریق کتاب در نسله‌ها و گروه‌های اجتماعی باز تولید می‌شود و نوعی فرایند جامعه‌پذیری سیاسی و پذیرش ارزشهای اجتماعی معطوف به قدرت اجتماعی و سیاسی از طریق کتاب و کتابخوانی محقق می‌گردد. امروزه اکثر علمای سیاست بر این مسأله اتفاق نظر دارند که نظم فرهنگی از متعالیترین صور نظم اجتماعی است که البته در جامعه گسترش نمی‌یابد، مگر به واسطه گسترش کتاب و کتابخوانی و توسعه معلومات و اطلاعات اعضای جامعه. اینکه گفته می‌شود قدرت از نوک قلم جاری است. بدین علت است که نوک قلم چیزی جز اطلاعات تولید نمی‌کند و اطلاعات می‌تواند قدرت خارق‌العاده‌ای در سطوح کلان (روابط بین‌کشورها) و سطوح میانی (روابط سازمانی و روابط اعضای یک جامعه) و سطوح خرد (روابط شخصی) ایجاد کند. به تعبیر مولانا: اقتضای جان چو ای دل آگهی است / هر که آگه‌تر بودن جاننش قوی است.

۶. دیدگاه معطوف به فرهنگ

با استفاده از مفاهیمی از قبیل اشاعه (diffusion) و تکامل (evolution) که مردم‌شناسان بر آن تأکید می‌ورزند، می‌توانیم نقش کتاب را در اشاعه فرهنگی و نیز در تکامل فرهنگی بررسی کنیم. کتاب وسیله‌ای بس مؤثر در انتقال تجارب

جدول ۱

ردیف	کشور	تعداد (میلیون جلد)
۱	آلبانی	۱۳/۴
۲	آلمان	۲۶۹
۳	اسپانیا	۳۶
۴	ایران	۶/۳
۵	رومانی	۱۷۸
۶	ژاپن	۶۲۹
۷	کانادا	۱۴۴
۸	کره جنوبی	۴۲
۹	کویت	۳/۶

است که بر اساس بند ۳۴ استاندارد فدراسیون بین‌المللی انجمنهای کتابداری (ایفلا)، نورم جهانی ذخیره کتاب بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ جلد به ازای هر هزار نفر است.

مطالعه زیربنایهای اطلاعاتی از زاویه موضوعات و عناوین کتب انتشار یافته در قاره‌های جهان نشان می‌دهد که میزان تنوع موضوعی در قاره اروپا بیش از سایر قاره‌هاست. تعداد عناوین کتب تولید شده در سال ۱۹۸۵ نسبت به جهان نشان می‌دهد که ۵۳/۴ درصد از این نسبت سهم اروپا، ۱۳ درصد سهم امریکا، ۱/۵ درصد سهم اقیانوسیه، ۶/۸ درصد سهم امریکای جنوبی، ۲۳/۷ درصد سهم آسیا و ۱/۷ درصد سهم افریقا است.^{۱۴}

در تقسیم‌بندی فرهنگ، به دو نوع فرهنگ واقعی (real culture) و فرهنگ آرمانی (ideal culture) اشاره می‌شود. اگر به طور تجربی به واقعیت اجتماعی بنگریم، ملاحظه می‌کنیم که استفاده از زبان گفتاری کمتر از زبان نوشتاری افراد جامعه را به سوی فرهنگ آرمانی سوق می‌دهد. غالباً فرهنگ کسانی که دغدغه کتاب و کتابخوانی دارند، به سمت نوع آرمانی آن میل پیدا می‌کند. روشن است که هر چه فاصله فرهنگ واقعی و فرهنگ آرمانی در جامعه‌ای بیشتر باشد، رشد فرهنگی و اخلاقی آن جامعه کمتر خواهد بود. از کارکردهای فرهنگی، حضور محسوس کتاب در جامعه و گسترش کتابخوانی، کوتاه‌تر شدن دو سر پیوستار مربوط به فرهنگ واقعی و آرمانی و نزدیکتر

مقایسه آمار کتب ذخیره شده در ایران و ژاپن نشان می‌دهد که به ازای یک ژاپنی پنج نسخه کتاب در کتابخانه‌های ژاپن ذخیره شده و در ایران (بر مبنای سال آمارگیری) یک کتاب برای ده ایرانی در کتابخانه‌های عمومی موجود بوده است. به عبارتی، تعداد کتب ذخیره شده در ژاپن (با ملاحظه نسبت جمعیت آن کشور) بیش از پنجاه برابر کتب ذخیره شده در ایران بوده است.

درباره کتب موجود در کتابخانه‌ها نسبت به جمعیت باسواد شهری، از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ افت شدیدی را ملاحظه می‌کنیم که البته پارامترهایی از قبیل رشد جمعیت و شرایط سیاسی آن دوران (جنگ و...) در آن امر بی‌تأثیر نبوده است. در سال ۱۳۶۵، به ازای یک هزار نفر جمعیت باسواد شهری، ۲۳۰ جلد کتاب در کتابخانه‌ها ذخیره شده بود، در حالی که این نسبت در سال ۱۳۶۵ به ۱۴۰ جلد کتاب کاهش یافت.^{۱۴} شایان ذکر



شدن فرهنگ آرمانی و واقعی به یکدیگر است. پرواضح است که عضویت فعال جوانان در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی و استقبال از کتاب و فرهنگ کتابخوانی نقش عمده‌ای در گسترش فرهنگ آرمانی جامعه دارد.

در کشور ما، به رغم رشد کمی و کیفی کتب در سالهای پس از انقلاب، متأسفانه فرهنگ کتابخوانی هنوز در میان جوانان و نوجوانان توسعه چندانی نیافته است. بر اساس یک پژوهش میدانی که در اواخر سال ۱۳۷۳ از جانب نگارنده صورت گرفت، مشخص شد که دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان (تعدادی از مدارس شمال و جنوب تهران) از خود رغبت چندانی نسبت به مطالعه نشان نمی‌دهند. ۸۳ درصد پاسخگویان در طول شبانه روز اصلاً کتاب نمی‌خوانند و فقط نزدیک به ۶ درصد آنان در کتابخوانی مداومت دارند و ۱۱ درصد باقیمانده به عنوان یک اقدام تفریحی و مانند آن به کتاب روی می‌آورند. از میان نمونه ۲۲۲ نفری، فراوانی خوانندگان کتاب به شرح جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۲

محتوای کتاب	فراوانی مطلق	درصد
شعر	۱۹	۸/۷
رمان	۱۶	۷/۱
مذهبی	۸	۳/۸
سیاسی	۸	۳/۸

میزان علاقه‌مندی همین نمونه به رسانه شفاهی نیمه رسمی و غیررسمی (فیلم و ویدیویی) در جدول ۳ مرتب شده است. مقایسه دو جدول فوق نشان می‌دهد که میزان استقبال جوانان به رسانه‌های شفاهی (صوتی و تصویری) در محدوده مورد بررسی بیش از رسانه‌های کتبی (کتاب) است.

مقایسه میزان علاقه به تماشای فیلمهای ویدیویی با میزان علاقه به مطالعه کتاب بدین جهت صورت گرفت که استفاده‌کننده برای تهیه مواد آن (نوار فیلم و کتاب) باید از خود تلاش نشان دهد و به اصطلاح فعال باشد، حال آنکه در تماشای فیلمهای تلویزیونی، تماشاگر منفعل است و تلاش چندانی برای تماشای آن از خود بروز نمی‌دهد.

جدول ۳ میزان (درصد) علاقه‌مندی پاسخگویان به فیلمهای ویدیویی

نوع علاقه	کم	متوسط	زیاد
علمی و درسی	۴۴/۳	۲۹/۳	۲۳/۹
بلیسی و رزمی	۱۲/۲	۲۲/۱	۳۳/۸
مذهبی	۶۲/۱	۱۵/۸	۱۰
شوایرانی	۲۶/۱	۲۴/۳	۴۱/۵
شور خارجی	۴۰/۶	۲۰/۷	۳۱/۱
سیاسی	۴۹/۶	۱۸	۲۳
ورزشی	۲۷/۹	۳۱/۵	۳۸/۳
کارتون	۵۵/۴	۲۴/۳	۱۶/۳
سایر موارد	۳۴/۷	۲۸/۸	۲۶/۲

۷. دیدگاه معطوف به توسعه

می‌توان گفت شالوده و محور اصلی توسعه همانا رشد علوم و اطلاعات حاملان توسعه است. اقتصاد، نیروی انسانی، رهبری، توان ملی و قوه نظامی همه و همه محملهای مادی توسعه به شمار می‌آیند. بدون وجود عنصر اطلاعات و علم، امکان سازماندهی محملهای فوق برای توسعه ناممکن می‌شود. نظام اطلاع رسانی فصل مشترک تمامی ابزارها و اهرمهای توسعه است و هر چه این نظام تقویت شود، امکان تحقق توسعه و پایداری آن افزایش می‌یابد. امروزه علوم، اطلاعات و فن شناسی ارزش ویژه‌ای یافته است و در کنار دلارهای نفتی (پتrodلار) و دلارهای ناشی از فروش مواد مخدر که نصیب کشورهای آسیای شرقی می‌شود (نارکودلار)، دلارهای هنگفتی از فروش اطلاعات (اینفورمودلار) نصیب تولید کنندگان آن می‌شود. کتاب از قدیمیترین و پایدارترین رسانه‌هایی است که به اشاعه اطلاعات، علم و فن شناسی می‌پردازد. کشورهای که کتاب بیشتری تولید می‌کنند توسعه یافته‌ترند. در هر دقیقه یک کتاب جدید در جهان چاپ می‌شود که از این میزان ۸۰ درصد به ۳۰ کشور پیشرفته اروپایی و امریکایی و ۲۰ درصد آن به کشورهای در حال توسعه اختصاص دارد. این کشورها جمعیتی بالغ بر ۷۰ درصد جهان را دارا هستند.^{۱۵}

در اینجا به تعدادی از شاخصهای توسعه از زاویه کتاب و کتابخوانی اشاره می‌کنیم:

۱. تیراژ و حجم کتب انتشار یافته،
۲. میزان تألیف و ترجمه،
۳. تعداد مؤلفان، مترجمان و محققان:

مطابق آمارهای دهه ۶۰ ه.ش.، تعداد پژوهشگران در هر ۱ میلیون نفر جمعیت در تعدادی از کشورها به شرح زیر گزارش شده است:

ژاپن ۳۸۰۸ نفر، شوروی (سابق) ۵۱۷۲ نفر، یوگسلاوی (سابق) ۱۰۱۲ نفر، ترکیه ۲۲۱ نفر، سودان ۱۱۸ نفر، ایران ۴۸ نفر.

۴. تنوع عناوین و گستره موضوعات کتب،
۵. تعداد کتابخانه‌های عمومی و مراکز اطلاع رسانی،
۶. مقدار زمان مطالعه سرانه در سال،
۷. نسبت کتاب (ذخیره شده / انتشار یافته) به جمعیت کشور،
۸. تعداد اعضای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی،
۹. سطح علمی کتابداران و تعداد آنها،
۱۰. میزان نزدیکی محتوای کتب به سطوح استاندارد علمی و تحقیقی،
۱۱. گسترش سواد و میزان جمعیت باسواد نسبت به کل جمعیت،
۱۲. مکانیسم جبران مادی و تشویق دست اندرکاران تولید و اشاعه کتاب و رضامندی نسبی مؤلفان، مترجمان، محققان و ناشران از حرفه خود،
۱۳. نحوه توزیع کتاب در کشور،
۱۴. میزان قابل دسترس بودن کتاب برای تمام جمعیت کشور (میزان تمرکز زدایی مراکز اطلاع رسانی و کتابخانه‌ها)،



طبقاتی، مذهبی و ...)،

۱۰. آیا نوآموزان نهضت سوادآموزی

کتابخوان می‌شوند؟

۱۱. مقایسه آمارهای چاپ، انتشار، ذخیره و

مطالعه کتاب در سه مقطع قبل از انقلاب،

زمان انقلاب و بعد از آن،

۱۲. علل عدم استقبال مطلوب از

کتابخانه‌های عمومی،

۱۳. اگر کتابخوانی خصلت بارز اعضای

جامعه شود، آیا جامعه به فردگرایی و انزوای

اجتماعی افرادش سوق می‌یابد؟

۱۴. آیا با ورود رسانه‌های جدید، عصر کتاب

سپری شده است (آینده کتاب)؟

۱۵. تأثیر حوادث بزرگ اجتماعی در کتاب

نویسی، کتابخوانی و چاپ کتاب و بالعکس:

اثرها و بازتابهای اجتماعی کتاب،

۱۶. مقایسه میزان خلاقیت و نوآوری دو

گروه کتابخوان و غیرکتابخوان در محدوده

سنی ...،

۱۷. آیا نظام آموزشی در ایران شوق

کتابخوانی را در نسل جوان ایجاد می‌کند؟

۱۸. آیا وسایل سمعی و بصری مانع

کتابخوانی‌اند یا مشوق آن؟

۱۹. مطالعه کتابخوانی به عنوان یک نیاز،

۲۰. چرا در جهان سوم دچار قطعی کتابیم؟

۲۱. نقش کتاب در جامعه‌پذیری سیاسی و

انتقال فرهنگی،

۲۲. نقش کتاب در تکامل شخصیت کودکان،

۲۳. در کدامیک از ساختهای قدرت، کتاب

نقش اجتماعی فزونی‌تری دارد: دموکراسی،

توتالیتر یا استبدادی؟ چرا؟

۱۵. میزان و کیفیت حمایت مدیران عالی

توسعه از کتاب و کتابخوانی،

۱۶. میزان تبلیغات کتاب و کتابخوانی (نحوه

و میزان حمایت سایر رسانه‌ها از کتاب).

پیشنهاد چند عنوان برای پژوهش

تحقیق در زمینه کتاب و کتابخوانی در کشور

ما کمتر از سایر حوزه‌ها شایع و رایج بوده

است و هنوز ضرورت چنین تحقیقاتی در

مجامع علمی و دانشگاهی احساس می‌شود.

در پایان این مقاله چند عنوان تحقیقاتی

پیشنهاد می‌گردد و امید است برای تلاشگران

این عرصه مؤثر افتد:

۱. کتاب و کتابخوانی در ایران و مقایسه آن با

سایر نظامهای مشابه و متفاوت،

۲. بررسی تطبیقی مصرف کتاب در شهرها و

روستاهای ایران،

۳. بررسی موانع توزیع بهینه کتاب در کشور،

۴. مقایسه میزان اثر بخشی کتاب بر

خوانندگان یا میزان اثربخشی سایر رسانه‌ها بر

مخاطبان خود،

۵. بررسی نهضت ترجمه در ایران: موفقیتها

و ناکامیها،

۶. موانع تألیف کتاب در ایران،

۷. رابطه پایگاه اجتماعی اقتصادی با میزان

کتابخوانی در میان ...،

۸. مطالعه کتاب چه میزان از اوقات فراغت

جوانان را در بر می‌گیرد؟

۹. بررسی میزان تناسب برنامه‌های فرهنگی

(در حوزه کتاب و کتابخوانی) با گروههای

مختلف اجتماعی (سنی، جنسی، قومی،

۲۴. نقش کتاب در توسعه فرهنگی،
 ۲۵. چگونه کودک را به کتاب علاقه‌مند کنیم؟
 ۲۶. رابطه دسترسی آسان به کتاب با میزان مطالعه کتاب،
 ۲۷. آیا اقشار بیسواد هم کتاب می‌خوانند؟ چگونه؟
 ۲۸. کتاب منبعی است که سایر رسانه‌ها از آن بهره‌برداری می‌کنند،
 ۲۹. مطالعه ارزش ماندگاری کتاب و ارزش انتخاب آن و مقایسه آن با سایر رسانه‌ها،
 ۳۰. چگونه و در چه شرایطی ارزشهای اجتماعی در کتاب نویسی باز نمود می‌یابد؟
 ۳۱. چگونه روح مطالعه را در افراد بدمیم؟
- پاورقیها
۱. رفیع پور، فرامرز؛ جامعه روستایی و نیازهای آن؛ شرکت سهامی انتشار: تهران ۱۳۶۴، ص ۴۶.
 ۲. کیهان (صفحه شهرستانها)؛ شماره ۱۰۰۳۲، ۱۳۵۵/۹/۱۴.
 ۳. اطلاعات؛ مورخ ۱۳۵۷/۳/۹.
 ۴. ر.ک. اورنگ، جمیله؛ کتابشناسی کتاب و کتابخوانی؛ مرکز آمار و برنامه‌ریزی پژوهشهای فرهنگی و هنری، وزارت ارشاد اسلامی (معاونت پژوهشی): تهران، ۱۳۷۲.
 ۵. کیهان؛ ش ۱۰۶۷۴، ۵۸/۱/۱۵.
 ۶. ر.ک: اطلاعات؛ ش ۱۳۰۵۶، ۴۸/۹/۱۸.
 ۷. کازینو، ژان؛ قدرت تلویزیون؛ ترجمه علی اسدی، امیرکبیر: تهران، ۱۳۶۴، ص ۵۳.
 ۸. همان؛ ص ۴۳.
 ۹. همان؛ ص ۴۴.
 ۱۰. همان؛ ص ۵۸ - ۵۹.
 ۱۱. همان؛ ص ۳۱ - ۳۲.
 ۱۲. ر.ک: میرزایی، علی؛ «مدیریت و اطلاعات»، دانشمند (ویژه‌نامه اطلاعات)؛ سال ۲۸، شهریور ۱۳۶۹، ص ۵۹.
 ۱۳. ر.ک: کتابشناسی کتاب و کتابخوانی؛ ص ۱۵.
 ۱۴. مدیریت فرهنگ و هنر و تربیت بدنی؛ بررسی وضعیت کتابخانه‌های عمومی در ایران؛ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰، ص ۱۶. به نقل از: *statistical yearbook*; 1987, PP:6-11
 ۱۵. بررسی وضعیت کتابخانه‌های عمومی در ایران؛ ص ۱۵.